

امید کاذب به برجامی که وجود خارجی ندارد!

با چند ایمیل هیچ تحلیلی نمی‌تواند تصور کند که کسانی به دنبال یک «پروژه بین‌المللی فراتر از برجام» باشند و نشان می‌دهد خودشان به دنبال «اهداف سیاسی-جناحی فروتر از برجام» همچون بزرگ کردن دموکرات‌ها و تطهیر ظریف و رابرت مالی و فضا سازی برای القای امیدواری کاذب به برجام و مقصر نشان دادن دولت و نظام در شکست فضاخت بار برجام با دستاورد هیچ و خسارت محض و نهایتاً کاسبی خود هستند.

به گزارش سایت خبری پرسون، دکتر محمدحسین محترم در یادداشتی نوشت: مردم ایران به این واقعیت پی برده‌اند که اولاً دیگر عملاً برجامی باقی نمانده و ثانیاً برجام قبل از اینکه توافقنامه‌ای برای حل مشکلات اقتصادی باشد، در واقع یک سناریو و توطئه درازمدت آمریکایی برای منزوی کردن و شکست ملت ایران بود. خود مقامات آمریکایی و اروپایی هم اساساً بارها به این دو واقعیت اذعان و عملاً در این مسیر در نهان و آشکار حرکت کردند و با همین هدف فضا سازی و برخی سیاسیون و مسئولان ایرانی را در برهه‌هایی از زمان با ادعای «امضای کری تضمین است»، فریب دادند. حتی اکنون مقامات روسی و چینی نیز بر زیاده‌خواهی و فریب‌کاری غربی‌ها در برجام تأکید می‌کنند. همان زمان اوباما پشت تریبون رسماً چهار هدف را برای برجام ترسیم کرد: اول تضعیف اقتصادی ایران و جلوگیری از فروپاشی تحریم‌ها، دوم جلوگیری از روند تضعیف اقتصاد آمریکا و نقش دلار در جهان، سوم نفوذ در ایران و تأثیرگذاری بر اوضاع داخلی کشور و منزوی کردن جمهوری اسلامی و چهارم پیگیری اهداف مهم‌تر از جمله مهار قدرت دفاعی و نفوذ منطقه‌ای ایران!

اوباما تأکید کرد «بدون برجام ایران به ۵۶ میلیارد دلار طلب خود می‌رسید و اقتصادش بهبود می‌یافت اما با برجام فقط به ۳ میلیارد رسید و جلو رشد اقتصادی‌اش گرفته شد!» بعد از این سخنان اوباما ده‌ها مقام آمریکایی و اروپایی و رسانه‌های آنها به مرور هدف پنهانی و پشت پرده برجام را آشکارتر کردند که به عنوان نمونه التون یکی از نمایندگان انگلیس گفته بود «آمریکا بعد از امضای برجام اکنون بر روی طرح گسترده‌تری از طریق برجام و تحریم‌ها برای ایجاد اعتراضات داخلی ایران متمرکز شده است و اروپا دیگر نمی‌تواند پشت برجام پنهان شود و باید آشکارا با آمریکا همراهی کند!» اما نکته مهم این است که اکنون نه تنها ملت ایران بلکه جهانیان و افکار عمومی دنیا نیز به پشت پرده سناریوی برجام و فریب‌کاری آمریکا و اروپایی‌ها و عدم پایبندی آنها به توافقات خود و البته به عجز این کشورهای استکباری در مقابل ملت ایران پی برده‌اند و نکته مهم‌تر اینکه با این وجود، برجامیون خارجی و داخلی کم تعداد اما پرهیاهو به کمک موساد و سیا به عنوان «کاسبان اصلی برجام» تلاش دارند با فضا سازی‌های رسانه‌ای و سیاسی و سوءاستفاده از فضای ایجاد شده بعد از تبادل زندانیان و آزادسازی پول‌های ایران و البته ناامیدوارانه همچنان القا کنند برجامی وجود دارد و هم در ایران و هم در آمریکا و هم در اسرائیل از قبیل آن همچنان به منافع مالی و سیاسی و جناحی خود برسند. در این خصوص چند نکته مهم است:

۱- از همان اوایل شکل‌گیری روند مذاکرات به استناد ده‌ها دلیل و سند، چه اسناد آشکار و چه محرمانه فاش شده وزارت خارجه آمریکا و پنتاگون و اندیشکده‌های وابسته به آنها و چه مواضع و اظهارات مقامات غربی و چه تجربیات گذشته و چه قرائن و شواهد و تحلیل‌های مستند که گذشت زمان، درستی آنها را تأیید کرد، هشدار و تذکر داده بودیم که پلویی که در دیگ سفارتخانه‌ها و دستگاه‌ها و نهادهای آمریکایی و اروپایی پخته شود، چه مزه و نتیجه‌ای برای ملت ایران خواهد داشت، اما جماعت غریب‌گرای داخلی با هدایت سناریونویسان غربی و عبری برجام، ملت ایران را متهم به توهم توطئه می‌کردند و به جهنم حواله می‌دادند! حال پس از حدود ده سال از پخت و پز برجام، خود برجامیون اذعان می‌کنند که برجام به دست چه کسانی و با پول چه کشوری پخته و چگونه مثل گنجشک رنگ شده به جای قناری به افکار عمومی و ملت ایران تحمیل شد! هفته گذشته روزنامه شرق در پروژه‌ای هدفدار تحت عنوان «درز ایمیل‌های ظریف» خواسته یا ناخواسته اذعان کرد «اواخر سال ۹۲ وزارت خارجه ایران (یعنی حسن روحانی و ظریف) حلقه‌ای از تحلیلگران خارج کشور را تحت عنوان «طرح کارشناسان ایران»

((The Iran Experts Initiative) تشکیل داد که رئیس‌گروه بین‌المللی بحران در آمریکا در گفت‌وگو با BBC ارتباط با این حلقه را تأیید کرد!»! شرق با نقل قول تأکید می‌کند که «هزینه‌های این گروه را نه دولت ایران؛ بلکه یک کشور اروپایی پرداخت کرده است!» اعضای ایرانی-آمریکایی این حلقه که با اندیشکده‌ها و مؤسسات آکادمیک وزارتخانه‌های خارجه و سرویس‌های جاسوسی اروپایی و آمریکایی مرتبطند به رابرت مالی و مقامات آمریکایی مشورت می‌دادند و یکی از وظایف آنها آماده کردن مقالاتی به نام مقامات ایرانی برای فضا سازی و انتشار در رسانه‌ها بود. یکی از آنها محقق خاورمیانه در اندیشکده صندوق مارشال مستقر در واشنگتن و اکنون رئیس‌دفتر معاون وزیر دفاع آمریکا در امور عملیات ویژه و جنگ‌های محدود است که در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ مشاور رسمی رابرت مالی نماینده آمریکا در امور ایران و دیگری رئیس‌گروه بین‌المللی بحران در واشنگتن، دست راست رابرت مالی و نویسنده ایمیل‌های او بوده است. در بخشی از گزارش شرق به تشکیل اولین جلسه این گروه با جواد ظریف در هتل کوبورگ وین و فراهم کردن زمینه سفر اعضای این حلقه به ایران در اسفند سال ۹۲ و دیدارشان با اکبر هاشمی‌رفسنجانی اشاره شده است که قرار بود «راب مالی» نیز در این سفر به تهران بیاید اما به هر دلیل نیامد.

۲- روزنامه شرق در ادامه با سؤالاتی مبنی بر اینکه منشأ درز ایمیل‌های ظریف کجاست؟ و هدف و رابطه آن با اینترنت‌شنال چیست؟، تلاش کرد پروژه «امیدوار سازی به برجام» را القا کند. اولاً اگر گفته شده بود که اسنادی از وزارت خارجه درز کرده؛ شاید می‌شد یک احتمال داد که کسی آنها را با اهدافی خاص منتشر کرده و می‌بایست دنبال آن شخص می‌گشتند، اما در حالی که آدرس و رمز ایمیل‌ها در اختیار خود ظریف و همکارانش بوده و به اذعان خود روزنامه شرق «ایمیل‌ها از آدرس ایمیل‌های شخصی به نام ظریف و دو نفر دیگر از وزارت خارجه ایران در یاهو و گوگل ارسال و دریافت شده است»، اینکه بخواهند دنبال منشأ درز ایمیل‌ها بگردند، سؤال به شدت عوام‌فریبانه و با اهداف سیاسی و فضا سازی جناحی است و هم نشان از بی‌سیاستی آنها دارد و هم نشان می‌دهد خود آنها به دنبال پروژه سازی هستند و خود آنها باید پاسخ دهند قرار است این پروژه تا کجا پیش رود؟ و مهم‌تر اینکه پروژه «درز ایمیل‌های ظریف» سناریوی «فایل صوتی ظریف» را بار دیگر در افکار عمومی تازه کرد که معلوم شد کار خود جماعت برجامیون بود! ثانیاً آنچه

که تاکنون از اسناد و روابط آشکار و محرمانه و قرائن و ادله فراوان برای ملت ایران منتشر و فاش شده است، نشان می‌دهد که این اصلاح‌طلبان غربگرا که برخی از آنها فراری شده‌اند، به همراه اپوزیسیون ورشکسته و ضدانقلاب‌ها و تجزیه‌طلب‌ها و سلطنت‌طلبان با اینترنت‌نشال و صحنه‌گردانان پشت پرده آن یعنی اسرائیل و آمریکا و انگلیس ارتباط داشته و دارند و جیره‌خوار آنها بوده‌اند و هستند و باید از آنها سؤال کرد چه هدفی از این پروژه دارند؟!

۳-اینکه فضا سازی شده هزاران ایمیل ظریف و چند مقام وزارت خارجه در دوران او درز پیدا کرده در حقیقت اولاً برای سرپوش گذاشتن بر سرقت ۶۰ هزار ایمیل وزارت خارجه آمریکا است که در سنا فاش شده است، چنان‌که روزنامه شرق اذعان می‌کند «بررسی‌ها نشان می‌دهد نشانه‌ای از اینکه حجم عظیمی از ایمیل‌ها در دسترس باشد، دیده نمی‌شود و آنچه مشاهده می‌شود، نه هزاران ایمیل بلکه تنها چندین ایمیل است». ثانیاً یک زمانی برای توجیه نقض عهد و فریبکاری آمریکا و عملکرد خسارت‌بار خود مصوبه قانونی و به‌جای مجلس را مانع رفع تحریم‌ها القا می‌کردند که هشت سال قبل‌تر وعده انجام بالمره آن هیچ‌گاه محقق نشد و حال با ادعای «نفوذ ایران در آمریکا» القا می‌کنند تابستان ۱۴۰۱ در حالی که ایران و آمریکا به توافق بسیار نزدیک بودند، ناگهان با «نشت اطلاعاتی» درخصوص رابرت مالی همه چیز برهم خورد. اکنون نیز با فرار به جلو عدم پابندی اروپایی‌ها به برجام و فریبکاری آنها در تمدید تحریم‌ها و اصولاً ناتوانی آمریکا در برگشت به برجام را می‌خواهند با توسل به پروژه «درز ایمیل‌های ظریف» بزک کنند و آن را به مخالفان برجام نسبت دهند. ثالثاً روی دیگر این سکه این است که از یک سو می‌خواهند دلیلی که آمریکایی‌ها در تابستان گذشته حاضر به حصول توافق نشدند را به فراموشی بسپارند و آمریکا را از آن تبرئه کنند. آن دلیل دست‌های نهان و آشکار آمریکا در برنامه‌ریزی برای اغتشاشات و دل بستن آنها به آشوب‌های خود ساخته و حمایت از تروریست‌های تجزیه‌طلب برای کسب امتیازات بیشتر بود.

از سوی دیگر امسال نیز آمریکا به دلیل شکست سختی که در بحران‌سازی در ایران با حمایت از اغتشاشات خورد و اکنون جمهوری اسلامی با سیاست مدبرانه داخلی و خارجی دست برتر را دارد و حاضر به دادن هیچ‌گونه باجی نیست، حاضر به پذیرش برجام نیست و اصلاح‌طلبان غربگرا تلاش دارند دلیل به سرانجام نرسیدن برجام را به پای دولت سیزدهم و نظام فاکتور کنند و باز فریبکاری و خیانت آمریکایی‌ها را روتوش کنند. رابعاً اینکه ادعا کردند در فاز بلندمدت هدف تخریب ظریف و «ظریف‌سوزی» است!؛ ظاهراً هنوز نمی‌خواهند بپذیرند که عملکرد ظریف و روحانی هرچه بود، هنوز از اذهان ملت ایران پاک نشده و برای سال‌ها بر روح و روان و سفره‌ها و معیشت مردم سایه انداخته و همین عملکرد برای تخریب یا تکریم ظریف و روحانی کافی است و نیازی به پروژه‌سازی نیست! خامسا می‌خواهند با سیاست نخ‌نمای دوقطبی‌سازی دولت سیزدهم و نظام و در عمل اکثر به قریب اتفاق ملت ایران که اکنون مخالف برجام هستند، را ضدبرجامی و همسو با جناح جنگ‌طلب اسرائیل و ترامپ القا کنند، در حالی که همه می‌دانند که چه کسانی از اصلاح‌طلبان و کارگزاران به همراه ضدانقلاب‌ها از مقامات آمریکایی گدایی حمله به ایران و تحریم بیشتر ملت ایران و از بازگشت ترامپ استقبال کرده‌اند و می‌کنند و چه کسانی در دولت تدبیر و امید با سیاست‌ها و عملکردشان به دنبال گره زدن اقتصاد کشور به برجام، و چه کسانی با نفوذ در این دولت به دنبال برجام دو برای تضعیف قدرت دفاعی و موشکی کشور برای فراهم کردن زمینه عملیات جنگ‌طلبان علیه ملت ایران، چه از ورژن ترامپ و چه از ورژن اوباما بودند!

۴- با چند ایمیل هیچ تحلیلگری نمی‌تواند تصور کند که کسانی به دنبال یک «پروژه بین‌المللی فراتر از برجام» باشند و نشان می‌دهد خودشان به دنبال «اهداف سیاسی-جناحی فروتر از برجام» همچون بزک کردن دموکرات‌ها و تطهیر ظریف و رابرت مالی و فضا سازی برای القای امیدواری کاذب به برجام و مقصر نشان دادن دولت و نظام در شکست فضا حثت بار برجام با دستاورد هیچ و خسارت محض و نهایتاً کاسبی خود هستند. در نتیجه باید «هدف مشترک برجامیون داخل و خارج و اسرائیل» در پروژه «درز ایمیل‌های ظریف» را جست و جو کرد نه «ضد برجامیون» که اکنون ملت ایران هستند، و هدف آن را نه القای «برهم‌زدن احتمال توافق»، بلکه باید چرایی «القای امیدواری کاذب به وجود برجامی که وجود خارجی ندارد» را برای مردم توضیح دهند!.

منبع: کیهان